



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بعضی از عزیزان اشکالاتی را نوشته اند که قبل از بحث آنها را می خوانیم، آقای فیاضی نوشته اند اولاً اگر قائل شویم علم به معروف و منکر شرط واجب است نه وجوب لازمه اش این است که بر همه واجب باشد در امور دینی فقیه باشند در صورتی که با دلائلی دیگر در جای خودش ثابت شده که بر همه مکلفین واجب نیست که فقیه شوند لذا یا مقلد اند یا محتاط.

ما نگفتیم که همه مردم فقیه شوند شناخت معروف و منکر غیر از فقیه شدن است ما گفتیم بر اهل علم لازم است که بروند و مسائل را به مردم یاد بدهند و بر مردم نیز لازم است که بروند و یاد بگیرند و بشناسند و این غیر از فقیه شدن است.

ثانیاً جای تعجب است که شما در کتاب رِوَاةُ الثَّقَاةِ نام مسعدة بن صدقة را جزء رِوَاةِ آورده اید چگونه می فرمائید ضعیف است درحالی که مرحوم آیت الله خوئی نیز ایشان را از جمله رِوَاةِ ثَقَاةِ برشمرده اند و حتی آقای فیاضی در تتمه کلامشان نوشته اند که کل مشهور به او اعتنا کرده اند.

ما عرض می کنیم اینطور نیست بلکه ما در ما نحن فیه نمی بینیم افرادی که علم را شرط دانسته اند مثل علامه در تذکره و شرایع و منتهی روایت مسعدة را ذکر کرده باشند بلکه فقط صاحب جواهر ذکر کرده بود لذا علت ضعف روایت مسعدة عدم عمل مشهور می باشد و شهرتی نیز در اینجا وجود ندارد.

نوشته بعدی مربوط به آقای قزوینی است که در مورد مسعدة بن صدقة مطالب زیادی نوشته اند، ما عرض می کنیم آنچه که مهم است این است که باید ببینیم

اولاً توثیق و جرح و تعدیل از چه بابی است آیا از باب شهادت است یا از باب رجوع به اهل خبره می باشد؟ ما معتقدیم که باب شهادت نیست بلکه از باب رجوع به اهل خبره می باشد، یکی از ظنون خاصی که ما حجت می دانیم رجوع به اهل به خبره می باشد و عقلاء نیز آن را حجت می دانند و شارع نیز این بناء عقلاء را رد نکرده مثل طبیب که اگر متدین باشد قولش حجت است و یا قول مقوم برای قیمت گذاری و یا قول لغوین و امثال ذلک که در تمام این موارد اگر اهل خبره عادل و موثق باشد و قولش مفید اطمینان باشد برای ما حجت می باشد و اما در مانحن فیه بعد از اینکه بنا شد به اهل خبره رجوع کنیم می بینیم که خب کشی و نجاشی و علامه و امثالهم که همگی خبره فن هستند مسعدة بن صدقة را توثیق نکرده اند، آیت الله خوئی در جلد اول معجم رجال حدیث فرموده علی بن ابراهیم در تفسیرش و ابن قولویه در کامل الزیارة گفته اند رجالی که ما در سند اخبار ذکر کرده ایم همگی موثق هستند ولی خب ظاهراً بعدها ایشان از این مبنی عدول کرده اند و ما نیز عرض می کنیم این دو بزرگوار خبره فن نیستند بلکه غایة الامر مجتهد هستند و قولشان در ثقه بودن افراد برای ما حجت نمی باشد بلکه قول متخصص و خبره فن مثل کشی و نجاشی و علامه در شناخت رجال حجت می باشد که در اینجا مسعدة را توثیق نکرده اند علی ای حال آقای قزوینی مطالب زیادی نوشته اند و سعی کرده اند که مسعدة را توثیق کنند ولی ما عرض می کنیم که وثاقتش ثابت نیست زیرا همان طور که عرض شد متخصصین فن رجال او را توثیق نکرده اند.

مطلب دیگری در اینجا وجود دارد این است که فرضاً اینکه مسعدة بن صدقة موثق باشد باز مطلب تمام نیست زیرا اولاً خود همین روایت با خبر دیگری به نقل

از خود مسعدة معارض می باشد، خبر این است: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ فِي (الْعَلَلِ) عَنْ أَبِيهِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جَعْفَرٍ، عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ، عَنْ مُسْعَدَةَ بْنِ صَدَقَةَ، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ (عَلَيْهِ السَّلَامُ) قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (عَلَيْهِ السَّلَامُ): إِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِبُ الْعَامَّةَ بِذَنْبِ الْخَاصَّةِ إِذَا عَمِلَتْ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ سِرًّا مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْلَمَ الْعَامَّةُ، فَإِذَا عَمِلَتْ الْخَاصَّةُ بِالْمُنْكَرِ جَهَارًا فَلَمْ تَغْيِرْ ذَلِكَ الْعَامَّةُ اسْتَوْجِبَ الْفَرِيقَانِ الْعُقُوبَةَ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ^۱.

ما همیشه گفته ایم که جو خیلی در وضع و احکام اثر دارد مثلاً در زمان طاغوت که به مکه می رفتند جو طوری بود که روحانیون کاروان ها بیشترشان از خودشان بودند و در هر اتاقی باید عکس شاه نصب می شد و باید بعد از نمازها برای شاه دعا می کردند ولی امام رضوان الله علیه جو را عوض کردند و حالا باید برائت از مشرکین باشد و ایرانی ها در هر کجا که باشند باید این انقلاب را معرفی کنند و خلاصه ایشان جو را عوض کرد، ما همیشه باید جو ورود اخبار را در نظر بگیریم و در این خبر نیز ذکر شده اگر این گناه عمومی شد و مردم نمی نکردند تمام مردم یعنی هم عامه و خاصه مستوجب عقاب و عذاب خواهند شد، خب حالا ببینید این خبر مسعدة با آن خبری که خواندیم و صاحب جواهر نیز به آن استدلال کرده منافات و تعارض دارند.

مطلب دیگر اینکه خبر مسعدة مردم را کنار می گذارد چون نوع مردم نمی دانند معروف و منکر کدام است درحالی که مردم در امر به معروف و نهی از منکر خیلی نقش دارند و اگر ما آنها را کنار بزنیم خیلی ضرر کرده ایم و در قران کریم و روایات ما نیز مخاطب مردم هستند و نقش دارند اما در خبر مسعدة گفته شده کسی که نمی داند باید کنار برود درحالی که نوع مردم نمی دانند و علماء باید به آنها یاد

بدهند و بگویند، جلد ۲۱ دفتر تبیان تماماً مربوط به امر به معروف و نهی از منکر می باشد که آماری از معروف ها و منکرات توسط امام رضوان الله علیه ارائه شده که نوع مردم نیز آنها را نمی دانند منتهی باید بروند و یاد بگیرند مثلاً یکی از منکراتی که ایشان ذکر کرده کاپیتولاسیون می باشد و از این قبیل منکرات زیاد ذکر کرده اند بنابراین ندانستن عذر نیست بلکه باید بروند و یاد بگیرند و همان طور که عرض شد مردم نقش عمده ای دارند و باید به میدان بیایند و جو عمومی را عوض کنند و امام رضوان الله علیه نیز مردم را به میدان آورد و تا مردم به میدان نیایند هیچ کاری انجام نمی شود و پیشرفتی حاصل نمی شود، مثال دیگر اینکه سید الشهداء علیه السلام زیر فشار دشمن از مدینه به مکه آمده بودند، حضرت به مکه آمدند و چند ماه در مکه بودند اما مردم به سراغ ایشان نیامدند و توجهی نکردند و بالاخره در روز هشتم ذی الحجة که مردم برای عرفات و منا می روند حضرت به سمت کربلاء حرکت کردند ولی باز مردم توجهی نکردند و علتش نیز این بود که معاویه در ۲۰ سال حکومتی که بعد از امیرالمومنین علیه السلام کرده بود جو را کاملاً عوض کرده بود به طوری که در هفتاد هزار منبر سب و لعن امیرالمومنین علیه السلام می شد خب حالا تحت چنین جو و شرایطی سیدالشهداء علیه السلام می فرماید: "إِنِّي أَرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهِيَ عَنِ الْمُنْكَرِ" بنابراین اگر مردم کنار زده شوند و فرهنگ آنان عوض شود معروف ها منکر و منکرات معروف خواهند شد لذا همیشه مردم باید در صحنه باشند و در روایات و آیات ما نیز همیشه مخاطب مردم هستند درحالی که روایت مسعدة اقتضاء می کند که مردم کنار بروند.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی...

والحمد لله رب العالمين و صلى الله على
محمد و آله الطاهرين

^۱ وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۱، ص ۴۰۷، ابواب امر و نهی، باب ۴، حدیث ۱، ط الإسلامیة.